

سلوک، منتظران



بنی هاشمی ، سید محمد ، ۱۳۳۹.
 سلوک منتظران / محمد بنی هاشمی - تهران: مرکز فرهنگی
 انتشاراتی منیر، ۱۳۸۳.
 ۳۴۴ ص.
 ISBN 964 - 7965 - 10 - 9
 فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
 کتاب نامه: ص. ۲۵۱ - ۳۵۲: همچنین به صورت زیر نویس.
 ۱. مهدویت. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.
 ۳. ولایت - احادیث. الف. عنوان.
 ۳ ح ۳ BP ۲۹۷ / ۷۷۷
 کتابخانه ملی ایران ۱۰۹۵۶ - ۸۲ م

شابک ۹-۱۰-۷۹۶۵-۹۶۴ ISBN 964 - 7965 - 10 - 9

سلوک منتظران

دکتر سید محمد بنی هاشمی
 ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
 نوبت چاپ: ششم / ۱۳۹۰
 تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه
 حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶
 چاپ: زنبق

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۳۶ ۱۸ ۵۲ ۷۷ (خط)
 فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۸۰۱ ۶۶ ۳۳۵ (خط) ۳۶ ۱۸ ۷۵۲ (۰۹۳۵)
 وب سایت: <http://www.monir.com>
 پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز بخش: تبریز (صحیفه) ۵۵۵۱۸۴۸ - ۴۱۱ * اهواز (رشد) ۲۲۱۷۰۰۱ - ۶۱۱ * مشهد ۲۲۵۷۲۵۷ - ۵۱۱
 شیراز (شاهچراغ) ۲۲۲۱۹۱۶ - ۷۱۱ * اصفهان (مهر قائم) ۲۲۲۱۹۹۵ - ۳۱۱ * دزفول (معراج) ۲۲۶۱۸۲۱ - ۶۴۱



<https://entezarschool.ir>



@entezar_school

<https://entezarschool.ir>



@entezar_school

فهرست مطالب

پیش نهاد ۱۳

بخش اول: اهمیت و تعریف انتظار

۱۹ - ۴۸

فصل اول: وجوب انتظار ۲۱

انتظار؛ شرط قبولی اعمال ۲۱

وجوب انتظار ۲۴

فصل دوم: انتظار ظهور ۳۱

غیر قابل توصیف بودن انتظار ۳۱

تعریف انتظار از روی ملزومات و لوازم آن ۳۳

آمادگی برای ظهور امام علیه السلام ۳۵

فصل سوم: انتظار فرج ۳۹

انتظار، ضدّ یأس ۳۹

انتظار فرج؛ بالاترین عبادت مؤمن ۴۴



انتظار فرج، همراه با رضا و تسلیم به قضای الهی ۴۶

بخش دوم: انتظار فرج امام عصر (عجله) و اقسام آن

۴۹-۱۴۵

فصل اول: انتظار فرج امام عصر (عجله) ۵۱

غیبت امام (عجله)؛ بزرگترین گرفتاری عصر ۵۱

غفلت از درد غیبت امام (عجله) ۷۰

رنج و مصیبت مؤمن از وقوع ظلم در هر نقطه زمین ۷۵

فصل دوم: انتظار فرج منتظر ۸۳

انتظار فرج کامل ۸۳

سپرده شدن هدایت خلق به امام (عجله) ۸۵

گرفتاری امام عصر (عجله) به سبب گرفتاری های شیعیان ۸۶

دعای عبرت ۹۵

فصل سوم: مراتب انتظار فرج ۱۰۱

ارزش عمل به نیت آن است ۱۰۱

قصد قربت در نیت ۱۰۳

مراتب قصد قربت ۱۰۶

قصد قربت در انتظار فرج امام عصر (عجله) ۱۱۲

انتظار فرج چه کسی؟ ۱۱۷

بالاترین درجه انتظار متناظر با بالاترین درجه معرفت و محبت ۱۲۵

دعای قنوت امام عسکری (عجله) در فرج فرزند خود ۱۳۶

دو نمونه از دعا های امام عصر (عجله) در تعجیل فرج خودشان ۱۳۹

عالی ترین رتبه انتظار فرج امام عصر (عجله) ۱۴۱

بخش سوم: انتظار لحظه به لحظه

۱۴۷-۱۹۳

فصل اول: بداء پذیر بودن وقت ظهور و علائم آن ۱۴۹

وقت قطعی برای ظهور تعیین نشده است ۱۴۹

مقدمات و علائم ظهور هم بداء پذیرند ۱۵۹

فصل دوم: ناگهانی بودن ظهور امام (عجله) ۱۶۷

اصلاح امر ظهور در یک شب ۱۶۷

یأس از فرج در هنگام فرج ۱۷۴

ظهور به طور ناگهانی محقق می شود ۱۷۸

علائم حتمی ظهور چه می شود؟ ۱۸۷

یأس از ظهور یک لحظه هم پذیرفته نیست ۱۹۰

بخش چهارم: آثار و برکات انتظار

۱۹۵-۳۴۶

مقدمه ۱۹۷

فصل اول: آثار و برکات انتظار در زمان غیبت ۱۹۹

آثار نزدیک دانستن ظهور ۲۰۰

مرحله اول از لوازم انتظار: زندگی با یاد امام (عجله) و مطابق پسند ایشان ۲۰۷

۱- رعایت تقوا و ورع، اهتمام به واجبات و پرهیز از محرّمات ۲۰۹

۲- خوف و رجاء واقعی ۲۲۰

۳- بغض دنیا ۲۳۵

مرحله دوم از لوازم انتظار: آرزوی یاری امام (عجله) و پیوستن به ایشان ۲۶۱

مرحله سوم از لوازم انتظار: آماده کردن خود برای پیوستن به امام (عجله) ۲۷۵

مرباطه با امام عصر (عجله) ۲۷۵

وقف نمودن خود برای امام علیه السلام	۲۷۹
مرحله چهارم از لوازم انتظار: تربیت منتظران راستین	۲۸۳
وظیفه دستگیری از ضعیفان	۲۸۳
مودت خالص برای امام علیه السلام ، نشانه کمال انتظار	۲۹۶
فصل دوم: آثار و برکات انتظار در زمان ظهور	۳۰۳
توفیق یاری امام علیه السلام در هنگام ظهور	۳۰۳
ثواب یاری امام منتظر	۳۱۹
همراهی با امام عصر علیه السلام در طلب خون سیدالشهدا علیه السلام	۳۲۲
یادی از مصیبت حضرت علی اکبر علیه السلام	۳۳۱
فهرست منابع	۳۴۳

پیش نهاده

السلام عليك يا حُجَّةَ الله في أرضه.
 السلام عليك يا عَيْنَ الله في خلقه.
 السلام عليك يا نُورَ الله الذي يَهْتَدِي به الْمُهْتَدُونَ و يُفَرِّجُ به عَنِ
 الْمُؤْمِنِينَ.
 السلام عليك يا سَفِينَةَ النِّجَاةِ.
 السلام عليك يا عَيْنَ الْحَيَاةِ.
 السلام عليك يا مَوْلَايَ. أنا مولاك.
 اقْرَبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ وَبِإِلَيْتِكَ وَانْتَظِرْ ظَهْرَكَ وَظَهْرَ الْحَقِّ
 عَلَى يَدَيْكَ.
 وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَجْعَلَ لِي مِنَ
 الْمُتَنْظِرِينَ لَكَ.^۱

۱- جمال الاسبوع ص ۴۱ و ۴۲ (زیارت روز جمعه).

مولای من،

حجّت خدا در زمین، تویی.

چشم خداوند در میان خلق، تویی.

نور هدایت پروردگار و مشکل گشای مؤمنان، تویی.

کشتی نجات، تویی.

چشمه حیات، تویی....

و تو از همه آنچه بر شمردم، بهتر و بالاتری.

زیرا مقام و منزلت تو والاتر از آن است که به وصف آید یا

حتی به دل خطور نماید!^۱

اما من ...

فقط یک فضیلت دارم که خود را جز به آن نمی‌شناسم:

أنا مولاك

تنها افتخارم این است که مرا به غلامی بپذیری و مدال عبودیت خود را با دستان پاک خویش بر سینه‌ام بیاویزی.

وسيلة تقرب من به سوی خداوند، فقط تو و اهل بیت گرامی‌ات هستید.

و من با اینکه نمی‌توانم خود را از صف منتظران ظهورت دور بینم، اما در خود، لیاقت انتظارت را سراغ ندارم. پس از خدای بزرگ درخواست می‌کنم که مرا جزء منتظران قدومت قرار دهد.

مولای من،

این دعا تنها وقتی اجابت می‌شود که حقیقت انتظار و چگونگی سلوک

منتظران را بیاموزم تا توفیق عمل به آئین انتظار را پیدا کنم و آنگاه از آثار و برکات این موهبت الهی در قبل و بعد از ظهورت بهره‌مند گردم. و اینهمه میسر نمی‌شود مگر با لطف و عنایت تو؛ زیرا انتظار از تو و برای تو است، پس تا تو نخواهی، در صف منتظرانت قرار نمی‌گیرم.

حرارت انتظارت در دل‌های مؤمنان، شعله‌ای است از آتش سوزانِ انتظار در قلب پاک تو؛ پس اگر گوشه چشمی به فقیرانِ درگاهت نمایی، همگی به خیل منتظرانت می‌پیوندند.

مولای من،

آنچه در این نوشتار به آستان مقدّست تقدیم می‌شود، قطره‌ای است از دریای بیکرانِ لطفِ تو پدر مهربان در حق یتیمان که به این وسیله آنها را به سوی خویش خواندی و در کمند محبت خود گرفتار ساختی.

این سطور، بهانه‌ای است برای عرض ارادت و عریضه‌ای است که به تمنای سوز انتظارت به بارگاه ملکوتی‌ات عرضه می‌شود و تقاضای گدایانی است که هیچ لیاقتی جز گدایی در خود سراغ ندارند!

مولای من،

ما خود را شایسته منتظر شما بودن نمی‌دانیم و همین اعتراف به عدم لیاقت را انگیزه توجّه شما به سوی خویش قرار می‌دهیم تا به حق پدرانِ گرامی و مادر شهیده و مصیبت زده‌تان از ما مفتقران دستگیری فرمایی.

* * *

مطالب این کتاب در چهار بخش و ده فصل تنظیم شده و تقدیم خوانندگان محترم می‌گردد.

در بخش نخست به اهمیت انتظار و جایگاه آن در دین اشاره شده است، و سپس با توجه به وجدانی بودنِ حال انتظار، از سه جهت به

۱- فَاِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ اَعْطَانَا اَكْبَرَ وَ اَعْظَمَ مِمَّا يَصِفُهُ وَاصِفُكُمْ اَوْ يَخْطُرُ عَلَى قَلْبِ اَحَدِكُمْ. فَاِذَا عَزَفْتُمْوَنَا هَكَذَا، فَاَنْتُمْ الْمُؤْمِنُونَ. (فرمایش امیر مؤمنان علیه السلام در حدیث نورانیّت، بحار الانوار ج ۲۶، ص ۲)

تعریف آن پرداخته ایم.

توضیح اینکه چرا انتظار فرج بالاترین عبادت خداوند و محبوب ترین عمل نزد او می باشد، در همین بخش آمده است.

در بخش دوم ابتدا مفهوم دقیق انتظار فرج امام عصر علیه السلام با توجه به اینکه بزرگترین گرفتاری عصر، غیبت ایشان می باشد، مورد بحث قرار گرفته و سپس گوشه ای از انتظار سوزان حضرت نسبت به فرج خودشان تبیین شده است.

مراتب مختلف انتظار فرج امام علیه السلام در آخرین فصل از همین بخش مورد بحث قرار گرفته است.

بخش سوم مربوط به ناگهانی بودن ظهور امام علیه السلام است و در آن از طریق اعتقاد به «بداء» در مورد وقت ظهور و علائم آن، ثابت می شود که انتظار فرج باید همیشگی باشد و یأس از آن در یک لحظه هم قابل قبول نیست.

آخرین بخش کتاب به آثار و برکات انتظار اختصاص دارد که در دو مرحله زمان غیبت و پس از ظهور مطرح شده است. در فصل نهم سعی شده تا تصویری صحیح و شایسته از آمادگی مؤمنان برای ظهور مولایشان در زمان غیبت ارائه گردد که از جهت عملی مهم ترین فصل این مجموعه به شمار می آید.

بالاترین آرزوی اهل ایمان که همانا توفیق یاری امام منتظر و همراهی با ایشان در طلب خون سیدالشهدا علیه السلام می باشد، در آخرین فصل کتاب مورد بحث قرار گرفته است.

حُسن ختام همه مباحث، یادی است از برخی فضائل و مصائب جگر گوشه سالار شهیدان و روح مقدس حسین علیه السلام، حضرت

علی اکبر علیه السلام که امیدواریم این تلاش ناچیز مورد قبول و امضای آن شهید والامقام قرار بگیرد.

اللهم ربَّ الحُسَيْن، اشفِ صَدْرَ الحُسَيْنِ علیه السلام.

اللهم ربَّ الحُسَيْن، اطلبْ بَدَمَ الحُسَيْنِ علیه السلام.

اللهم ربَّ الحُسَيْن، اِنْتَقِمْ مِنْ رَضِيَ بِقَتْلِ الحُسَيْنِ علیه السلام.

اللهم ربَّ الحُسَيْن، اِنْتَقِمْ مِنْ خَالَفَ الحُسَيْنِ علیه السلام.

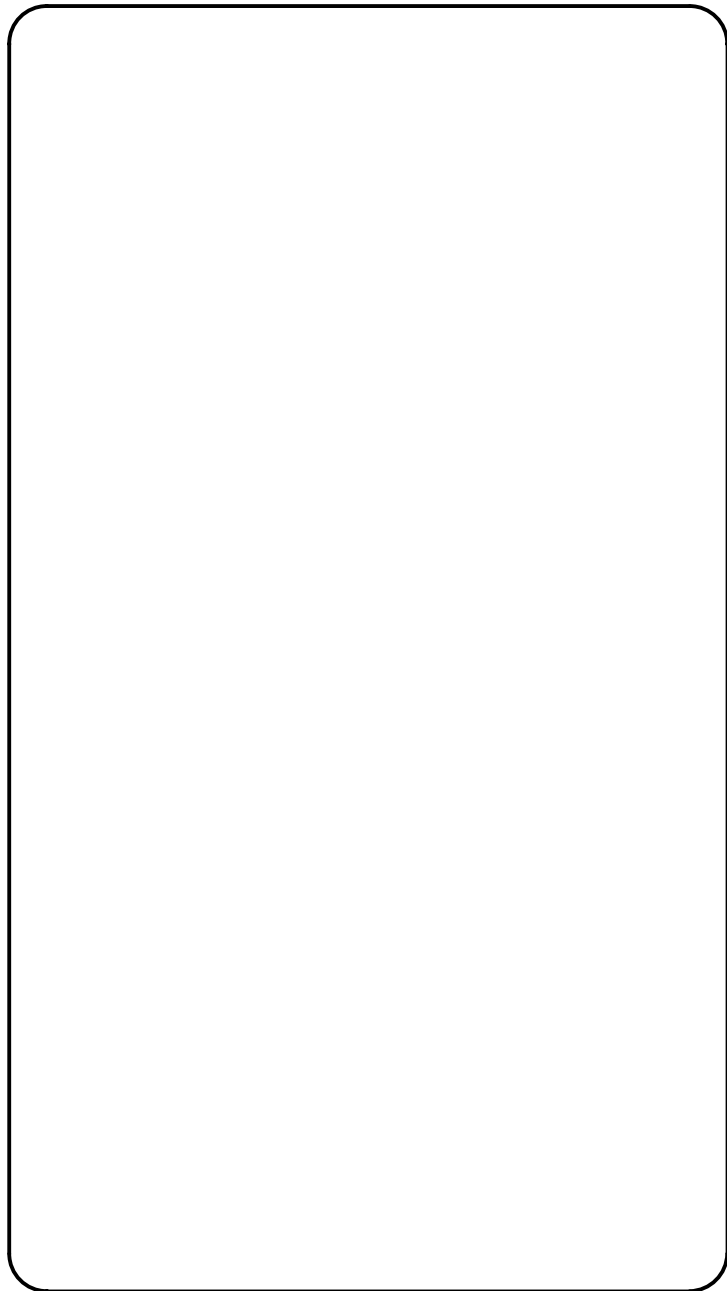
اللهم ربَّ الحُسَيْن، اِنْتَقِمْ مِنْ فَرِحَ بِقَتْلِ الحُسَيْنِ علیه السلام.^۱

آمین رب العالمین

سید محمد بنی هاشمی

ربیع الاول ۱۴۲۴ - اردیبهشت ۱۳۸۲

۱- عباراتی از دعاهاى امام صادق علیه السلام در کنار قبر مطهر سیدالشهدا علیه السلام، کامل الزیارات باب ۷۹، فرازی از حدیث ۲۳.





وجوب انتظار

انتظار؛ شرط قبولی اعمال

هر عمل دینی برای آنکه عبادتی مقبول در پیشگاه خدای متعال تلقی شود، باید شرایطی داشته باشد که بخش عمده‌ای از این شرایط به شخص عمل کننده مربوط می شود. اینها همان اموری است که گاهی به عنوان «دین» از آن یاد می شود؛ دین صحیح و مطابق خواست خداوند. در فرمایشی از امیرمؤمنان علیه السلام به این حقیقت اشاره شده است که هیچ کار خوبی از غیر شخص دیندار پذیرفته نیست:

أَيُّهَا النَّاسُ! دِينَكُمْ! دِينَكُمْ! تَمَسَّكُوا بِهِ وَلَا يُزِيلَنَّكُمْ أَحَدٌ عَنْهُ. لِأَنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ خَيْرٌ مِنَ الْحَسَنَةِ فِي غَيْرِهِ. لِأَنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ تُغْفَرُ وَالْحَسَنَةُ فِي غَيْرِهِ لَا تُقْبَلُ.^۱

ای مردم! مراقب دین خود باشید! مراقب دین خود باشید! به آن تمسک کنید و کسی شما را از آن خارج نسازد و

۱- معانی الاخبار ص ۱۸۵ و ۱۸۶.



پذیرفتن ولایتِ ما اهل بیت علیهم السلام، و بیزاری جستن از دشمنِ ما، و تسلیم شدن نسبت به امرِ ما، و ورع، و فروتنی، و در انتظار قیام کنندهٔ ما بودن؛ چون برای ما دولتی است که هرگاه خداوند بخواهد، آن را محقق می‌سازد.

طبق این بیان، انتظار قائم اهل بیت علیهم السلام از ارکان دینی است که عمل در آن بذرفته می‌شود.

در حدیث دیگری ابوبصیر از حضرت صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که ایشان روزی چنین فرمودند:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا هُوَ؟

آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدای عز و جل هیچ عملی را از
بندگان جز به سبب آن نمی پذیرد؟

ابوبصیر عرض می‌کند: بله، بفرمایید. آنگاه حضرت چنین توضیح می‌دهند:

شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَبْدُهُ [و
رسوله]، و الإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَهُ، و الْوَلَايَةُ لَنَا، و الْبَرَاءَةُ مِنْ
أَعْدَائِنَا، -يعني الأئمة خاصّة- و التَّسْلِيمُ لَهُمْ، و الْوَرَعُ، و
الاجْتِهَادُ، و الطَّمَأْنِينَةُ، و الانتظارُ لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ^١

گواهی دادن به توحید پروردگار و اینکه حضرت محمد ﷺ بنده (و فرستاده) اوست، و اقرار به آنچه خداوند دستور فرموده، و ولایت ما، و بیزاری جستن از دشمنان ما - منظور خصوص ائمه علیهم السلام است - و تسلیم شدن نسبت به ایشان، و

گواهی دادن به توحید پروردگار و اینکه حضرت محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، و اقرار به آنچه از جانب خداوند آمده و

۱۔ غبت نعمانی، باب ۱۱ ح ۱۶۔

ورع، و کوشش (در راه عمل به شرع)، و طمأنینه، و در انتظار حضرت قائم علیه السلام بودن.

بنابراین هیچ عملی در دین، بدون حالت انتظار مهدی موعود علیہ السلام مقبول درگاه الهی نیست. منظور از مقبول شدن این است که آن عمل، عبادتی تلقی شود که مشمول پاداش پروردگار قرار گیرد و باعث تقرّب شخص به پیشگاه الهی شود.

پاداش‌هایی که برای انجام یک عمل خاص در کتاب و سنت آمده است، همگی بر عمل مقبول، مترتب می‌شود و اگر آن عمل، حائز شرایط قبولی نباشد، انجام دهنده آن استحقاق هیچگونه پاداشی از جانب خداوند ندارد. با این وصف بدون حال انتظار قائم علیه السلام استحقاق هیچ خیر و پاداشی بابت انجام عبادات برای انسان پدید نمی‌آید.

البته اگر خداوند بخواهد از روی فضل و کرم خویش، یک عبادت ناقص و فاقد بعضی شرایط را از بنده‌ای بپذیرد، بحث دیگری است، ولی آنچه طبق وعده‌های الهی و براساس مقررات وضع شده، سبب قبولی اعمال است، همان شرایط اعلام شده می‌باشد.

و جوب انتظار

در احادیث متعدّدی از معصومین علیهم السلام، قیام کننده از اهل بیت علیهم السلام که انتظار ظهورش از ارکان دین به شمار آمده، دقیقاً معرفی شده است. به عنوان نمونه از حضرت جواد الائمه علیه السلام نقل شده است که فرمودند: **إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبِهِ^۱** همانا قیام کننده از ما (اهل بیت علیهم السلام) همان مهدی علیه السلام است

۱- کمال الدین ج ۲ ص ۳۷۷ باب ۳۶ ح ۱.

که انتظار او در (زمان) غیبتش واجب است.

تعبیر وجوب، در فرمایش حضرت جواد علیه السلام نشان دهنده ضرورت حال انتظار در زمان پنهانی امام علیه السلام می‌باشد. و نتیجه‌ای که از کلّ این بحث گرفته می‌شود این است که دینداری و بندگی خدا جز به شرط تحقق این رکن مهم - یعنی انتظار قائم علیه السلام - امکان ندارد و کسی که به دنبال عبادت پروردگار است، نباید از این امر واجب غفلت بورزد.

اما نکته‌ای که در اینجا به صورت سؤال یا اشکال مطرح می‌شود این است که: مگر حالت انتظار یک حالت اختیاری است که بتواند متعلّق وجوب قرار گیرد؟ آیا اساساً امر به انتظار داشتن صحیح است؟ هر کس حال انتظار را در خودش وجدان کرده باشد، تصدیق می‌کند که این حال بدون وجود مقدماتش در انسان ایجاد نمی‌شود و اگر مقدمات آن به طور کامل موجود شود، «انتظار» قهراً حاصل می‌شود و نیاز به امر و دستوری در مورد آن نیست.

بنابراین می‌توان گفت: اصل حالت انتظار داشتن بسان افعالی چون خوردن و آشامیدن، اختیاری انسان نیست. و اگر کسی طالب ایجاد این حال باشد، باید مقدمات آن را در خودش فراهم کند و در صورت تحقق آن مقدمات، حالت انتظار خود بخود به وجود می‌آید. پس امر به انتظار و وجوب آن، در حقیقت به ایجاد آن مقدمات برمی‌گردد.

البته انتظار دارای شدّت و ضعف می‌باشد و هر درجه‌ای از آن، مقدمات خاص خود را دارد. پایین‌ترین درجه انتظار وقتی است که انسان احتمال وقوع چیزی را بدهد. شدّت انتظار بستگی به قوّت این احتمال دارد. احتمال بالاتر، انتظار قوی‌تری را موجب می‌گردد و قوّت

انتظار منشأ پیدایش آثاری در فرد منتظر می‌شود که این آثار در مراتب پایین‌تر به چشم نمی‌خورد. بحث فعلی ما به درجات پایین انتظار که اثر چندانی در فرد ندارد، ناظر نیست. بر این اساس، مقدماتی که حال انتظار را در فرد به درجه قابل توجه و مؤثری می‌رساند، در چهار عامل خلاصه می‌کنیم:

اول: یقین داشتن به وقوع چیزی. یعنی اینکه انسان واقع شدن چیزی را به طور قطع و یقین بداند و هیچ شک و تردیدی در آن نداشته باشد. در این صورت انتظار وقوع آن خودبخود در شخص حاصل می‌گردد. و هر قدر این علم و یقین قوی‌تر باشد، انتظار وقوع آن هم شدیدتر است.

دوم: نزدیک دانستن وقوع آن چیز. ممکن است واقع شدن چیزی را انسان با قطع و یقین بداند، ولی وقوع آن را در آینده‌ای دور ببیند. در این صورت حالت انتظار برای آن واقعه ضعیف است. و هر قدر وقوع آن را نزدیک‌تر ببیند، انتظارش در مورد آن بیشتر خواهد بود.

سوم: دوست داشتن آن وضعیتی که به وقوع آن علم دارد. انسان هر اندازه چیزی را که خبر از وقوعش داده‌اند بیشتر دوست بدارد، حالت انتظارش نسبت به آن شدیدتر می‌شود. چه بسا خبر قطعی از واقع شدن چیزی به انسان داده شود ولی آن چیز مطبوع و محبوب او نباشد، در این صورت قطعاً انتظارش نسبت به آن کمتر و ضعیف‌تر می‌باشد.

چهارم: دوست داشتن آن کسی که خبر از آمدنش داده‌اند. اگر انسان به آمدن کسی یقین داشته باشد، هر قدر او را بیشتر دوست بدارد، آمدنش را بیشتر انتظار می‌کشد.

اگر این چهار عامل در مورد وقوع چیزی موجود باشد، قهراً و قطعاً انتظار وقوع آن هم قابل توجه خواهد بود و هیچ نیازی به امر نسبت به آن نیست. به کسی که این مقدمات برایش حاصل شده، لازم نیست گفته شود که: «منتظر باش!» چون او قطعاً منتظر هست. حتی نمی‌توان گفت: «منتظر نباش!» زیرا با وجود این عوامل، او نمی‌تواند منتظر نباشد.

در مورد انتظار ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) هم مطلب از همین قرار است.^۱ برای آنکه حال انتظار ایشان در کسی پیدا شود، باید مقدماتش فراهم شود. اگر مقدمات محقق باشد، انتظار هم هست و نیازی به امر نسبت به آن نیست. و اگر آن مقدمات نباشد، انتظار حاصل شدنی نیست. مهم‌ترین این مقدمات همان چهار عامل مذکور است:

اول، یقین به ظهور حضرت: هر قدر علم و یقین شخص به ظهور امام (عجل الله تعالی فرجه) بیشتر و عمیق‌تر باشد، انتظارش نسبت به آن بیشتر است. و اگر خدای ناکرده شک و تردیدی در اصل وقوع آن داشته باشد، یا اعتقادش به آن سست و ضعیف باشد، انتظارش هم به همان اندازه کم و ضعیف و سست خواهد بود و چه بسا به صفر برسد.

یقین قوی و محکم در این مسئله رابطه مستقیم با ایمان و اعتقاد شخص به وعده‌های قرآن و سنت دارد و هر قدر این ایمان و اعتقاد راسخ‌تر و عمیق‌تر شود، خود بخود انتظارش نسبت به وقوع آن هم شدیدتر خواهد شد.

۱- البته انتظار ظهور یک مصلح جهانی در غیر اسلام هم مطرح بوده است ولی مبنای ما در این کتاب بحث انتظار در فرهنگ امامیه (شیعیان دوازده امامی) است که در آن، منجی بشر شخص حضرت حجة بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند و انتظار را صرفاً نسبت به ظهور ایشان مطرح می‌کنیم.

دوم، نزدیک دانستنِ امر ظهور: ممکن است کسی به اصل ظهور حضرت یقین داشته باشد ولی وقوع آن را در آینده‌ای دور ببیند. در این صورت انتظارش نسبت به آن سست و ضعیف می‌شود. ولی اگر آنچنانکه در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام آمده است، امرِ ظهور را دور نپنداریم، بلکه آن را نزدیک ببینیم، آنگاه انتظارِ ما نسبت به آن شدیدتر می‌گردد. اینکه فرموده‌اند:

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً.^۱

آنها (کافران و ناباوران) ظهور امام علیه‌السلام را دور می‌بینند، ولی ما آن را نزدیک می‌بینیم.

برای این است که حالت انتظار در ما شدیدتر گردد. چنین اعتقادی خودبخود درجهٔ انتظار را در انسان بالاتر می‌برد.

البته نزدیک دانستن ظهور با «استعجال» که در روایات مذمت شده کاملاً متفاوت است و لازمهٔ آن پیشگویی در مورد زمان ظهور هم نیست.^۲

سوم، دوست داشتنِ ظهور امام علیه‌السلام: کسی که به ظهورِ امام زمان علیه‌السلام صددرد صد معتقد است و وقوع آن را هم نزدیک می‌بیند، هر قدر آن وضعیت موعود را بیشتر دوست بدارد، انتظارش نسبت به آن بیشتر خواهد بود؛ و اگر آن را خوش نداشته باشد، انتظارش ضعیف و سست می‌شود. این دوست داشتن تنها زمانی به وجود می‌آید که مؤمنان تصویر روشنی از زمان ظهور حضرت داشته باشند تا اینکه نه تنها از

آن نترسند بلکه برای وقوعش لحظه شماری کنند. در قرآن و سنت، بشارتهای متعددی در مورد نعمت‌های بی‌نظیر زمان ظهور ذکر شده است که در بخش دوم کتاب به گوشه‌ای از آن اشاره خواهد شد. اعتقاد و باور محکم نسبت به این بشارت‌ها، خود به خود انتظارِ مؤمن را نسبت به آن بالا می‌برد.

چهارم، دوست داشتنِ خود امام عصر علیه‌السلام: هر کس محبت و علاقه‌اش به امام زمان علیه‌السلام بیشتر باشد، ظهور ایشان را بیشتر دوست می‌دارد و قهراً انتظارش نسبت به قدوم ایشان بیشتر و قوی‌تر خواهد بود.

با وجود این چهار عامل، انتظار نسبت به ظهور امام علیه‌السلام خودبخود به وجود می‌آید. و در صورت نبود یا ضعف این عوامل، انتظار هم ضعیف و کم‌اثر می‌شود. هرچه این مقدمات قوی‌تر باشد انتظار هم شدیدتر می‌شود.

بنابراین برای عمل به وظیفهٔ انتظار حضرت قائم علیه‌السلام باید این مقدمات را تقویت کرد. امر به انتظار حضرت، در حقیقت امر به ایجاد اینهاست. و اگر بعضی از اینها هم اختیاری نباشند، باید مقدمات آنها را فراهم کرد.

مثلاً محبت به امام علیه‌السلام به محض ارادهٔ انسان و اختیارش حاصل نمی‌شود و ایجاد آن هم احتیاج به مقدماتی دارد. زیرا چنین نیست که به محض ارادهٔ انسان، محبت نسبت به چیزی یا کسی در او به وجود آید. باید با انجام افعال اختیاری مناسب، کم‌کم زمینه‌های ایجاد آن را فراهم کرد تا خداوند لطف کند و محبت انسان را نسبت به امامش بیشتر کند.

۱- بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۱۱۲.

۲- توضیح بیشتر در این زمینه را می‌توانید در کتاب «معرفت امام عصر علیه‌السلام» صفحات ۲۷۴ تا ۲۷۶ ملاحظه کنید.

به طور کلی شاید بتوان مهم ترین عامل را در ایجاد محبت نسبت به امام عصر (عجله) و ظهور ایشان، معرفت آن عزیز دانست که در محل خود درباره زمینه های اختیاری آن بحث شده است.^۱

در مورد عامل اول و دوم نیز آشنایی بیشتر با کتاب و سنت و بشارت های مذکور در آنها، از طریق مطالعه کردن و جدی گرفتن و اهمیت دادن و ... که همه، افعال اختیاری هستند، می تواند زمینه ساز علم و ایمان قوی تر و باور محکم تر باشد. به طور کلی عمل به وظایف اهل معرفت امام (عجله) در زمان غیبت ایشان، در این خصوص می تواند بسیار مؤثر باشد که توضیح آنها در محل مناسب خود آمده است.

ناگفته نماند که امر به انتظار و به طور کلی همه امور غیر اختیاری که در شرع موارد متعددی از آنها به چشم می خورد، باعث می شود که توجه مکلف نسبت به آن جلب شود و فکر و دل او را به خود مشغول نموده، آن را مهم بشمارد و برای تحقق بخشیدن آن به فکر و تلاش بیفتد و این خود یک عامل اصلی برای به وجود آمدن آن حالت غیر اختیاری است. پس اوامری که در دین نسبت به امور غیر اختیاری (از جمله انتظار) وارد شده است، در تحقق آنها بسیار مؤثر می باشند.

۱- درباره این بحث می توانید به بخش دوم کتاب «معرفت امام عصر (عجله)» و همچنین بخش دوم کتاب «آفتاب در غربت» مراجعه کنید.



انتظار ظهور

غیر قابل توصیف بودن انتظار

در معنای انتظار، توصیفات و توضیحات مختلفی ذکر شده که هیچکدام بیان کننده اصل معنای آن نیستند. اگر در معنای آن گفته شود که انتظار یعنی «چشم به راه بودن»، این صرفاً ترجمه لفظ از عربی به فارسی است و نمی تواند به عنوان تعریف تلقی شود. اگر بخواهیم توصیف صحیحی از انتظار ارائه کنیم، باید از اموری غیر خود آن کمک بگیریم، وگرنه صرفاً ترجمه ای از لفظ آن را ارائه کرده ایم. ولی آیا چنین کاری ممکن است؟ آیا می توانیم مفهوم انتظار را با تحویل به مفاهیم دیگری توضیح دهیم؟ آیا انتظار، قابل تحویل و تحلیل به مفاهیم دیگر می باشد؟

اگر خوب دقت کنیم، در خواهیم یافت که «انتظار» یک امر کاملاً وجدانی است و اگر کسی واقعیت آن را وجدان نکرده باشد، هرگز با توصیفات ذهنی، حقیقت آن را نمی فهمد. انتظار یک معنای پایه و